

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمور شاه تیموری

المان - 20 دسمبر 2011

## مخمس بر غزل عبدالغفور "ندیم"

### باقتفاء از محمد نسیم "اسیر"

ای سینه فروکش همه این آه و فغان را  
ای دیده میفشان دگر این اشک روان را  
باشد که بگیرم به بر آن آفت جان را  
کی از کف خود مفت دهم داغ بتان را  
با نقد روان میخرم این جنس گران را  
شوری ز قیامت همه سو در نظر آمد  
لاله ز تماشای رخس خون جگر آمد  
آهی دگر از سینه گلزار بر آمد  
گفتم چو حدیث قد او سروروان را  
معشوقه به آن حسن خداداد عجب نیست  
در کوی بتان ناله و فریاد عجب نیست  
گر مادر گیتی خرفی زاد عجب نیست  
زاهد گهر عشق ترا داد عجب نیست  
دیوانه چه داند روش سود و زیان را  
هردم به ستم میکشدم یار بدآموز  
امروز ندارد دل من طراقت دیروز  
از دیده ببارم گهر ناب شب و روز  
از جانب این خاک نشینان سپهروز  
ای سرمه سلامی برسان چشم بتان را  
با یاد رخس دیده بدوزم به گل از شوق  
خواهم که شوم غرقه در آن موج گل از شوق  
کیفیت دیدار به از جام مل از شوق  
پیراهن جان پاره کنم همچو گل از شوق  
گر تنگ بگیرم به بر آن غنچه دهان را  
سرو است خجل زان قد موزون رسایش  
در بحر ننگد صفت صدق و صفایش  
یارب مددی کن که مرا کشته ادایش  
دلدار روان است و جهانی به قفایش  
دریاب دلا عیش جهان گذران را  
تیری به دلم آن قد دلکش بنشانده است  
نقشی بنظر آن مه مهوش بنشانده است  
در باد فنا این سر سرکش بنشانده است  
از حسرت یک بوسه به آتش بنشانده است  
خال لب ت ای شوخ من سوخته جان را

تیمور که به دروازه گلزار مقیمم      دلباخته و عاشق هر طبع سلیمم  
رویم به اسیر و سپر انداز کلیمم      از هیچمدانی عجب از طبع ندیمم  
کاورده به فریاد کلیم همدان را

تیمور شاه تیموری - المان